

اهمیت و تاریخ اخلاق پزشکی

مقدمه

اخلاق پزشکی، علمی است بین رشته‌ای که موضوع آن مجموعه آدابی است که صاحبان مشاغل پزشکی باید رعایت نمایند.

اهمیت اخلاق پزشکی را می‌توان از جهات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داد. پاسخ به این پرسش که "پزشکی منهای اخلاق پزشکی چیست؟! " مطالب بسیاری را در اهمیت اخلاق پزشکی، روشن می‌کند.

در این نوشتار به صورت اختصار، به رابطه تاریخ بشری و جایگاه اخلاق پزشکی و اهمیت اخلاق پزشکی با محوریت قاعده زرین، اشاره می‌شود:

۱- تاریخچه اخلاق پزشکی در دنیا

علم اخلاق در دنیا تاریخچه‌ای طولانی با سابقه بیش از ۲۵۰۰ سال دارد. در قرون قبل از میلاد مسیح (ع) فرهنگ یونانی و رومی که تحت تأثیر فرهنگ ایرانیان و تمدن شرق بود در غرب گسترش داشته است.

در آن دوران به دلیل عدم گستردگی علوم زمان، پزشکان معمولاً سایر علوم و حکم مانند فلسفه را نیز فرا می‌گرفتند لذا تاریخچه اخلاق پزشکی با تاریخچه فلسفه در قرون قبل پیوند خورده است.

اما اخلاق پزشکی بیش از همه با اندیشه‌ها و تفکرات فلاسفه بزرگی چون سقراط (۳۹۹-۴۷۰ ق.م.)، افلاطون (۳۴۷-۴۲۷ ق.م.) و ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م.) در قرون چهارم و پنجم قبل از میلاد پیوند نزدیکی داشته است.

این متفکران یونانی علم اخلاق را در کنار علم پزشکی فرا گرفته بودند و آن را به‌عنوان "هنر زیستن" و "مراقبت و مواظبت از نفس" توصیف می‌نمودند و از سوی دیگر "عقل سالم را در بدن سالم" می‌دانستند.

در همان دوران، بقراط (۳۸۰-۴۵۰ ق.م.) که او را پدر علم طب نیز نامیده‌اند، سوگند نامه معروف خود را تنظیم نمود. بقراط اولین کسی بود که مبانی اخلاقی را در قالب قسم نامه با طبابت در آمیخت.

۲- تاریخچه اخلاق پزشکی در ایران باستان

طب و اخلاق پزشکی در بین ایرانیان از قدمتی طولانی برخوردار است. سابقه پزشکی در ایران طبق برخی منابع به دوران قبل از بقراط مربوط می‌شود.

ایران هم به لحاظ دانش و هم به لحاظ دارا بودن طبیبان حاذق زبازد بوده است. علاوه بر استعدادی شگرف که در ایرانیان وجود داشته است، دستیابی به ترقیات پزشکی آشوریان، بابلیان و یونانیان طی قرون متمادی نیز نقش عمده‌ای در پیشرفت پزشکی در ایران باستان داشته است. از قدیمی‌ترین روزگاران امر طبابت در ایران با دیانت توأم بوده است. طب باستانی ایرانی با آیین زردتشت (حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد) و تعلیمات اوستا پیوند جدایی ناپذیری داشته است.

در بخش "و ندیداد" اوستا، گفتارهایی در باب ویژگی‌های پزشکان آمده است. شرایط طبیب این بود که اولاً کتب زیادی مطالعه کرده و در فن خود تجربه کافی داشته باشد، ثانیاً با صبر و حوصله به سخنان بیمار گوش فرا دهد و بیمار را با وجدانی بیدار معالجه کند و ثالثاً از خدا بترسد.

هر چند در عهد ساسانی، اصول طب ایران کاملاً زردشتی و مبتنی بر روایات اوستایی بود اما نفوذ طبابت یونانی نیز در آن مشهود است. صفات یک طبیب شایسته در عصر ساسانی این بود که دانا بوده و نسبت به اعضاء بدن و داروها شناخت کامل را داشته باشد، دنیا پرست نباشد و امراض را دقیق معاینه و معالجه نماید.

۳- اخلاق پزشکی پس از اسلام

ظهور اسلام تأثیرات زیادی بر پیشرفت علوم در کشورهای اسلامی و خصوصاً ایران گذاشت. دانشمندان مسلمانی چون ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ.ق.) و زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ هـ.ق.) که منشأ اثرات مهمی در تاریخ دانش محسوب می‌شدند از مفاخر ایران پس از اسلام هستند.

تقریباً تمام پزشکان بزرگ مسلمان از علم الهیات اطلاع کامل داشته‌اند. در کلیه متون معتبر پزشکی که از دوران شکوفایی علوم در تمدن اسلامی، یعنی از اواخر قرن دوم هجری به بعد: تألیف و تدوین شده است. فصول درباره اخلاق پزشکی و ویژگی‌های یک طبیب وجود دارد.

زکریای رازی که از مفاخر بزرگ اسلامی است، شدیداً به مبانی اخلاق پزشکی پایبند بوده است و جزواتی در زمینه مراعات اصول اخلاق پزشکی از او به جای مانده است.

در کتاب بسیار معتبر "الحوای فی الطب" و نیز رساله‌های "سرّ الطب"، "محنة الطیب" و "خواص التلامیذ" اشارات رازی به اخلاق پزشکی و احترام به آیین و سنت پزشکی

به‌خوبی نمایان است. از سخنان رازی است که: "طیب باید بیمارش را به بهبود و سلامت امیدوار گرداند ولو این که خود امیدی به بهبود بیمار نداشته باشد."

علی بن مجوسی اهوازی (۳۱۸-۳۸۴ ه.ق.) در اثر معروف خود "کامل الصنعة الطبّیه" یا "کتاب الملکی" بایی را به اخلاق پزشکی اختصاص داده است و اعتقادات خود و توصیه‌های سایر اساتید را به عنوان آیین پزشکی در "پند نامه‌ اهوازی" گردآوری نموده است. این پند نامه از سوگند نامه بقراط جامع‌تر است و به نظر می‌رسد که اهوازی با توجه به تعالیم اسلامی، اصولی را به آن افزوده است.

ابن سینا چهره سرشناس طب در اسلام، ایران و جهان است که آثار منسوب به او بیش از صد عنوان است. از این میان ۱۶ کتاب او در مورد علم طب است و در برخی از آنها رهنمودهای ارزنده‌ای درباره راه و رسم معلمی، طبابت و طلبگی علوم آورده است...

حکیمان و اندیشمندان این دیار لابلای مطالب پزشکی، اشارات ارزشمندی به اخلاق پزشکی داشته و ارزش ویژه‌ای برای آن قائل بوده‌اند. ارزش والای اخلاق نزد پزشکان، در برخی نوشته‌ها و اشعار نویسندگان و شاعران این مرز و بوم نیز انعکاس یافته است....

هر چند در قرون اخیر درخشش اندیشمندان مسلمان در زمینه توسعه و بهره‌برداری از علوم پزشکی به علل مختلفی رو به افول گذاشته اما به نظر می‌رسد با گسترش جامعه مسلمانان در سراسر جهان و توجه ویژه به طب اسلامی در سالیان اخیر، بتوان پویایی و تلاش افزونتری را در حیطه طب جهان اسلام شاهد بود (۱).

با توجه به فرهنگ غنی پزشکی و اخلاق پزشکی در تمدن ایرانی و اسلامی، پزشکان و دانشجویان پزشکی می‌توانند براساس این میراث فرهنگی، به توسعه "طبابت در پرتو اخلاق و دیانت" بپردازند؛ البته نباید فراموش کرد که ممکن است در برابر این پرسش هم قرار بگیریم:

از فضل پدر ترا چه حاصل

گیرم پدر تو بود فاضل

۴- اهمیت اخلاق پزشکی با محوریت قاعده زرین

تاریخ پزشکی یعنی بخشی از تاریخ انسان. یعنی در همه جوامع بشری، متناسب با فرهنگ آنان پزشکی مطرح بوده است. اخلاق هم امری تاریخی و همیشگی است. از سوی دیگر پزشکی منهای اخلاق پزشکی هم بی معناست. بنابراین اخلاق پزشکی همواره در تاریخ بشری جلوه گر بوده است.

هر دین و مکتبی برای خود، اخلاق ویژه‌ای دارد، که گاهی اخلاق‌ها متفاوت و حتی گاهی متضاد و متناقض هستند. این مشکل، شامل اخلاق پزشکی هم می‌شود.

به نظر می‌رسد که قاعده زرین، می‌تواند با توضیحات زیر به‌عنوان "اخلاق انسانی" و الگویی برای درک اهمیت اخلاق پزشکی مطرح شود:

۱- **تعریف قاعده زرین:** با دیگران طوری رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند. به عبارت دیگر قاعده زرین یعنی "خودت را جای دیگران بگذار".

۲- ارکان قاعده زرین:

الف - وجدان - وجدان "یافتن" است نه "بافتن" و فرض بر این است که هر انسانی با مراجعه به فطرت و سرشت خود درمی‌یابد که قاعده زرین، قانون خوب و دلنشینی است...

ب- معرفت - اگر به نیازها، تمایلات و احساسات خودمان و همچنین به نیازها و تمایلات و احساسات دیگران معرفت داشته باشیم می‌توانیم قاعده زرین را به کار بگیریم...

ج - عدالت - عدل یعنی هر کسی و هر چیزی در جایگاه مناسب خودش قرار بگیرد. و عادل‌ترین مردم کسی است که به قاعده زرین وفادار است زیرا پیامبر (ص) می‌فرماید:

"عادل‌ترین مردم شخصی است که آنچه برای خود می‌پسندد برای مردم نیز می‌پسندد، و آنچه برای خود نمی‌پسندد برای مردم هم نمی‌پسندد." (۲)

همه ارکان قاعده زرین مهم هستند ولی عدالت از همه مهم تر است.

د- قوه خیال - لازمه قاعده زرین اینست که شخص در عالم خیال خودش را به جای طرف مقابل گذاشته و ببیند در چنین شرایطی دوست دارد با او چگونه رفتار شود...
ه- اراده قوی - انسان در قاعده زرین باید دیگران را نیز انسان بداند و از خودپرستی و خودخواهی افراطی و منفی بپرهیزد و پیمودن این فرآیند به اراده قوی و غنی نیاز دارد. (۳)
۳- قاعده زرین یعنی خلاصه کتاب های مقدس - در انجیل متی، باب هفتم، آیه دوازدهم آمده است:

"لهمذا آنچه خواهید کرد مردم به شما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید زیرا اینست تورات و صحف انبیاء".

۴- قاعده زرین در پرتو آموزه های اسلامی - در آیات، روایات و سیره معصومین (ع)، به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، به قاعده زرین دعوت شده است که به چند نمونه اشاره می شود:

نمونه اول - هشدار قرآنی به ترک قاعده زرین: "وای بر کم فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمان می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند، اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمان یا وزن کنند، کم می گذارند. (سوره مطفین آیه ۱ و ۲)

نمونه دوم - قاعده زرین درمانی: جوانی از قریش نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد اجازه می دهی من مرتکب زنا شوم؟ اصحاب بر او فریاد زدند: چه حرف زشتی می زنی! پیامبر (ص) فرمود: آرام باشید و به جوان اشاره کرد که نزدیک بیاید، بعد به او فرمود: آیا دوست داری کسی با مادر تو زنا کند و یا با دختر و خواهر تو و یا...

جوان عرض کرد: هرگز راضی نیستم و هیچ کس به این امر راضی نیست. فرمود: آنچه را گفتی نیز همین گونه است و همه بندگان خدا نسبت به حفظ ناموس خود تعصب دارند. آنگاه دست مبارک را بر سینه او گذارد و گفت: "اللهم اغفر ذنبه، و طهر قلبه و حصن

فرجه"، "پروردگارا گناهش را ببخش و قلبش را پاک گردان، و دامانش را از آلودگی ها حفظ کن".

بعد از این ماجرا هیچ کس آن جوان را نزد زن بیگانه‌ای ندید (۴).

نمونه سوم - قاعده زرین در پرتو کلام علوی - براساس پژوهش‌های انجام شده مفصل‌ترین بیانات درباره قاعده زرین به صورت مستقیم؛ در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه است که امیرالمومنین (ع) خطاب به امام حسن (ع) این چنین می نویسد:

"... ای پسر، نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای

خود دوست

داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران همپسند، ستم روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آن گونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی، آنچه نمی‌دانی نگو، گرچه آنچه را می‌دانی اندک است، آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو، بدان که خود بزرگ بینی و غرور، مخالف راستی و آفت عقل است..." (۵)

۵- اخلاق پزشکی در سایه سار قاعده زرین - اگر اخلاق پزشکی بر محوریت

"اخلاق انسانی" یعنی قاعده زرین، طراحی شود در آن صورت، ضمانت اجرایی درونی به وجود می‌آید. به عبارت دیگر همه دست‌اندرکاران پزشکی به "اصالت کنترل درونی" خواهند رسید البته با توجه به «اصل کنترل بیرونی» که مکمل آن خواهد بود.

تاریخ منهای پزشکی بی معناست، پزشکی منهای اخلاق پزشکی بی معناست، اخلاق پزشکی با قاعده زرین، معنا و ضمانت اجرایی درونی می‌یابد.

خودت را جای بیمار بگذار

کوچک شما

محمد رضا یکتایی

منابع

- ۱- پزشک و ملاحظات اخلاقی، باقر لاریجانی، تهران: انتشارات برای فردا، چاپ دوم، ج ۱، ص ۱۱۳ تا ۱۲۰ (با تلخیص و مختصری تغییر).
- ۲- نهج الفصاحه، حدیث شماره ۳۴۰.
- ۳- قاعده زرین در آموزه های دینی و پیامدهای آن برای اخلاق پزشکی، محمد رضا یکتایی و سید ماجد غروی نیستانی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۸۸، ص ۵۷.
- ۴- پیام امام امیرالمومنین (ع)، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، مکارم شیرازی؛ با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۵۶۴.
- ۵- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۳۱، فراز ۵۴ تا ۵۷، ص ۵۲۷.